

هویت‌یابی در عصر بحران هویت: چالش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی

بهزاد دوران*



چکیده

سپری شد. با این همه پایان هزارهٔ دوم، واقعاً دوران تحول است (کاستلز، ۱۳: ۱۳۸۰: ج). بدون تردید ما امروز در انقلابی‌ترین دورهٔ تاریخ به سر می‌بریم و تغییر و تحول دائمی به واقعیت انکارناپذیر و اساسی حیات اجتماعی بدل شده است (لنسکی و لنسکی، ۵۶۵: ۱۳۶۹). عملاً در تمامی طول تاریخ بشر، آهنگ تغییر اجتماعی نسبتاً کند بوده است و اکثر مردم کم و بیش همان شیوه‌های زندگی پدرانشان را دنبال می‌کرده‌اند. حال آن‌که امروزه بر عکس، ما در جهانی متحول و دستخوش دگرگونی چشمگیر و دائمی، زندگی می‌کنیم (گیدنز، ۵۵۵: ۱۳۷۳) به قسمی که شگفت‌انگیزترین رویداد دنیای معاصر را می‌توان سرعت بی‌سابقهٔ تغییرات اجتماعی دانست (لنسکی و لنسکی، ۳: ۱۳۶۹).

روند تغییرات اجتماعی چنان سرعت و عمقی یافته که پابرجاترین عرصهٔ حیات بشر یعنی فرهنگ را نیز درنوردیده و ما را در میانهٔ یک دگرگونی جدی فرهنگی قرار داده است. تحولی که بارلو^۱ (از بنیان «بنیاد حریم الکترونیک»^۲) آن را جدی‌ترین تحول فرهنگی از کشف آتش تا کنون می‌داند (۲۳۱: ۱۹۹۷). آنچه زمینهٔ چنین تغییر و تحولات ژرف و شگرفی را پدید آورده و این برهه از تاریخ را واجد برجستگی و اهمیت فوق‌العاده‌ای ساخته،

نهاد هویت که برای پاسخگویی به پرسش دیرین «من کیستم؟» در عصر مدرن از نهاد دین جدا گردید، در طلیعهٔ عصری که پسامدرن خوانده شده، با چالش‌های جدی مواجه گردیده است. از آنجا که هویت یکی از مهم‌ترین مقولات در سیاست‌گذاری فرهنگی هر کشوری محسوب می‌شود، ناچار به پذیرش چالش‌های آن نیز خواهد بود. مهم‌ترین این چالش‌ها برای سیاست‌گذاری فرهنگی در جامعهٔ ما عبارت‌اند از: چالش هویت لاهوتی و ناسوتی، چالش هویت (های) شخصی، و چالش هویت‌های واحد، اصیل، ثابت و پایدار در مقابل هویت‌های متکثر، ترکیبی، متغیر و ناپایدار.

واژگان کلیدی: هویت لاهوتی، هویت ناسوتی، بحران هویت، سیاست‌گذاری فرهنگی، سیاست‌گذاری هویتی.

پایان قرن بیستم و آغاز هزارهٔ جدید میلادی، نه تنها برای دانشمندان علوم اجتماعی و هواداران جنبش‌های هزاره‌ای^۱، که برای عموم مردم حاوی معانی و اشارات ضد و نقیض بود. بسیاری گمان می‌کنند پایان هزاره باید آستن تحولی جدی باشد. حال آنکه لزوماً این‌گونه نیست: پایان هزارهٔ نخست بی‌هیچ حادثه‌ای

هویت و بحران هویت

پرسش دیرین «من کیستم؟» خبر از نیازی اساسی می‌دهد: نیاز به دانستن کیستی، که هیچ‌گاه انسان را رها نساخته است. نهاد اجتماعی متولی پاسخ‌دهی به این پرسش انگار ازلی (و بلکه ابدی) که جامعه‌شناسان مدرن غربی از آن به عنوان هویت یاد می‌کنند و اندیشمندان پسامدرن از به‌کار بردن آن ابادارند (الیوت، ۱۰-۹: ۲۰۰۵)، یک پدیده اجتماعی تام^{۱۵} است، و از اساسی‌ترین نهادهای اجتماعی^{۱۶} - که در عصر مدرن از نهاد دین جدا گردیده - و در نتیجه از جمله مهم‌ترین مسائل و موضوعات جامعه‌شناسی است که متأسفانه چندان که باید و شاید بدان توجه نشده است.

هویت به این معنا مجموعه (های) نسبتاً منسجم و بادوامی از شیوه‌های آگاهی، احساس، عمل و بودن است که امروزه در جوامع مدرن برای پاسخگویی به آن پرسش بنیادی (من کیستم؟) در سطح هر اجتماع تمهید یافته است. در نتیجه، همواره باید دو نکته را در نظر داشت: از سویی، هویت، موضوعی در حوزه شناخت، احساس و کنش انسان است ولی صرفاً مفهومی فردی و در سطح فرد نیست (و حال آن که معمولاً همچون پدیده‌های اجتماعی دیگر به پدیده‌ای روانی تقلیل پیدا کرده است)؛ و از سوی دیگر نهاد هویت (همچون دیگر نهادهای اجتماعی) وابسته و پیوسته شرایط اجتماعی خود است. بنابراین، به‌رغم وجود نهاد متولی پاسخ‌دهی به پرسش «من کیستم؟» در هر اجتماعی، با توجه به محتوای به‌غایت متفاوت آنها از یک اجتماع به اجتماع دیگر، قرار دادن آنها زیر عنوان هویت، می‌تواند نادرست و غلط‌انداز باشد. چرا که انسان در فرهنگ‌های مختلف به گونه‌های متفاوتی به پرسش مذکور پاسخ می‌دهد. در واقع، فرهنگ‌های مختلف، نوع ظهور و بروز خود را تغییر می‌دهند و از این رو تصور از خود، در فرهنگ‌ها متفاوت است (پورحسین، ۱۱۸-۱۲۰: ۱۳۸۴) و بنابراین قراردادن آنها ذیل عنوان هویت ناروا.

اکنون شاید درک این مطلب آسان‌تر باشد که بحث پیچیده هویت، در ایران با چه چالش‌های اساسی روبه‌رو است. زیرا - چنان‌که اشاره شد - نهاد اجتماعی متولی پاسخ‌دهی به پرسش «من کیستم؟» در ایران کجا و نهاد هویت موجود در غرب مدرن و بلکه پسامدرن کجا؟ این قضیه زمانی بغرنج‌تر می‌شود که در نظر آوریم ما نه در وضعیت «یا این یا آن» که در وضعیت «هم این هم آن» به سر می‌بریم. به عبارت دیگر اگر بحران هویت امروز غرب را بتوان عمدتاً ناشی از تقابل مدرن با پسامدرن دانست،

دستاوردهای تکنولوژیک جدید و متأخر بشری است. دستاوردهایی که به عنوان تکنولوژی‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی^۴ شناخته می‌شوند. از این رو برخی خبر از استیلای یک پارادایم تکنولوژیک جدید می‌دهند که بر محور تکنولوژی‌های اطلاعاتی سازمان یافته است (کاستلز، ۵۹: ۱۳۸۰ الف).

حال اگر بپذیریم که دگرگونی در تکنولوژی‌های ارتباطی موجب دگرگونی فرهنگی شده است (خانیک، ۱۳۷۶)، باید به تأسی از مک‌لوهان^۵ اذعان داریم تکنولوژی‌های جدید ارتباطی که تناسبی با فرهنگ پیشین ندارند، فقدان تجانس نسبتاً بادوام می‌آفرینند. این فقدان تجانس یا تأخر فرهنگی^۶ موجب پیدایی بحرانی فرهنگی می‌شود که همراه با دگرگونی‌های اجتماعی بروز و ظهور پیدا می‌کند (محسنی، ۱۲۸: ۱۳۷۲ و ۴۵: ۱۳۸۰؛ کازینو [کازنو]، ۳۷، ۴۲-۴۱: ۱۳۶۴).

بدین ترتیب، انقلاب ارتباطی - اطلاعاتی^۷ سده بیست و یکم را باید بسیار فراتر از صرف الکترونیک کردن رابطه انسان‌ها دانست. تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، با فراهم آوردن امکان پیدایی «جامعه شبکه‌ای»^۸ که افراد و جوامع را در قالب‌های تازه، هویت‌های تازه بخشیده (کاستلز، ۲۰: ۱۳۸۰ الف، یادداشت ویراستار ارشد)، نه تنها قواعد و قوانین حاکم بر ارتباط و تعامل میان انسان‌ها، بلکه ایستار^۹ ما را نسبت به خود، دیگران و جهان تغییر داده است (اولسون، ۵: ۱۳۷۷، مقدمه مترجم). به عبارت دیگر با درهم‌شکستن مرزهای مرسوم گروهی و متعاقب آن تغییر در برجستگی نسبی نیاز به تشابه^{۱۰} و تمایز^{۱۱}، بر روشنی و اهمیت مرزبندی‌های گروهی و در نتیجه معنای هویت اجتماعی^{۱۲} تأثیر گذاشته است (جونز، XV: ۱۹۹۸). لذا، این هویت است که در بحران فرهنگی ناشی از شتاب و ژرفای تغییرات بی‌وقفه اجتماعی، مسئله‌آفرین می‌شود (رحیمی، ۱۹۹۹).

کشورهای پیرامونی^{۱۳} (به تعبیر والرشتاین^{۱۴}) نیز از این تحولات برکنار نیستند. هر چند که شرایط کمتر مساعد تغییر باشد (کازنو، ۲۴۸: ۱۳۷۰)، به نظر می‌رسد تغییر و تحولات ارتباطی - اطلاعاتی بیش و پیش از همه، مسئولان سیاسی این قبیل جوامع را به وحشت می‌اندازد. چرا که فرهنگ آموخته پیشین (به زعم ایشان فرهنگ حقیقی) جامعه را در شرف اضمحلال می‌بیند (کازنو، ۱۷۶: ۱۳۷۰). فرهنگی که آبخور هویت‌های متصلب و از پیش مقدر و در نتیجه ضامن حفظ وضع موجود است (برگر و لوکمان، ۱۶۷: ۱۳۷۵).

تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، با فراهم آوردن امکان پیدایی «جامعه شبکه‌ای» که افراد و جوامع را در قالب‌های تازه، هویت‌های تازه بخشیده نه تنها قواعد و قوانین حاکم بر ارتباط و تعامل میان انسان‌ها، بلکه ایستار ما را نسبت به خود، دیگران و جهان تغییر داده است.

کلی دیگرگونه) شمرده می‌شود (بویمان، ۱۸: ۱۹۹۶). به عبارت دیگر به اعتقاد من به‌کارگیری هویت برای عصر سنت (پیشامدرن) تا حدودی نادرست است. نه این که در آن عصر، هویت وجود داشته و مفهوم‌سازی نشده، بلکه از آن رو که از اساس پدیده‌ای با این کیفیت که متفکران مدرن غربی هویت نامیده‌اند، کمتر وجود داشته است. کافی است در نظر آوریم هویت از جنس نوعی بازنمایی خود و در نتیجه آگاهی بر خود است، و پرواضح است که این نوع خاص از آگاهی، محصول دوران مدرن است.

بنابراین اگر عده‌ای هویت را همانند دیگر مقولات، تنها زمانی واجد برجستگی می‌دانند که در بحران باشد (وودوارد، ۲۴: ۲۰۰۰)، بدان معنا نیست که در گذر از عصر سنت به مدرن، هویت متصلب پیشین دچار بحران شده است، بلکه معنایش این است که هویت نوپدید عصر مدرن - که در قالب‌های متصلب و متعینی پنداشته می‌شد - در گذر به عصر پسامدرن، با چالش‌های جدی روبه‌رو شده و از این رو در بحران قرار گرفته است. به این معنی که در عصر جدید، هویت که چیزی سترون و در عین حال باثبات پنداشته می‌شد، با نوعی تردید و بی‌یقینی روبه‌رو شده است (تاجیک، ۴۳: ۱۳۷۶)، در نتیجه، در دنیای معاصر با چنین وضعیتی روبه‌رو است و لذا در بحران توصیف می‌شود (حق‌پناه، ۱۳۸۰؛ شایگان، ۱۳۸۰؛ عبدالحی، بی‌تا و ۱۲۸: ۱۳۷۵؛ وودوارد، ۲۵: ۲۰۰۰).

بحران هویت نیز چون دیگر پدیده‌های اجتماعی معاصر، جهانی است و بنابراین، تنها گریبان کشورهای توسعه یافته مدرن عمدتاً غربی را نگرفته است بلکه عمده‌ترین معضل پیش روی کشورهای توسعه‌نیافته نیز به حساب می‌آید (طالبی، ۳۶-۳۷: ۱۳۷۸؛ ابوطالبی، ۱۳۷۸؛ بشیریه، ۱۳۷۹). زیرا برای این قبیل کشورها جدا از بحران مدرن و پسامدرن، توسعه یافتگی و مدرن شدن، معادل ترک بخشی از وجود خود، و در نتیجه با بحران عمیق هویتی همراه است (معلوف، ۷۸: ۱۳۸۲) و از همین رو سیاست‌های هویتی واجد اهمیتی مضاعف می‌گردند.

رویکردهای نظری به هویت

در اینجا برای درک بهتر زمینه‌های نظری (چالش‌های) سیاست‌گذاری هویتی، لازم است اشاره‌ای داشته باشیم به رویکردهای نظری به هویت. تمام تلاش‌های دامنه‌دار و پیگیری را که برای مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی هویت صورت گرفته، می‌توان در قالب سه رویکرد نظری قرار داد: الف) رویکرد سنتی، ب) رویکرد مدرن و ج) رویکرد پسامدرن (دوران^۱،

بحران هویت در جامعه ما، به جز این جنبه که بخش کوچکی از موضوع را در بر می‌گیرد، وجه مضاعفی نیز دارد: تقابل سنتی با مدرن.

در هر حال، همان‌طور که اشاره شد پرسش «من کیستم؟» پرسشی دیرین است به قسمی که برخی بر این باورند هویت، در این آموزه معروف سر در معبد دلفی^{۱۷} یعنی «خودت را بشناس»^{۱۸} نیز به چشم می‌خورد. و از این رو نتیجه می‌گیرند هویت، به‌رغم این که از آغاز تمدن، ذهن انسان را مشغول داشته، نه تنها رنگ کهنگی به خود نگرفته است، که هنوز هم مهم‌ترین دغدغه انسان به حساب می‌آید (ورچل، مورالز، پائز و دشان، ۱۹۹۸: xvii؛ کچویان، ۱۶، ۱۰: ۱۳۸۴). این نظری است که من در صحت آن تردید دارم.

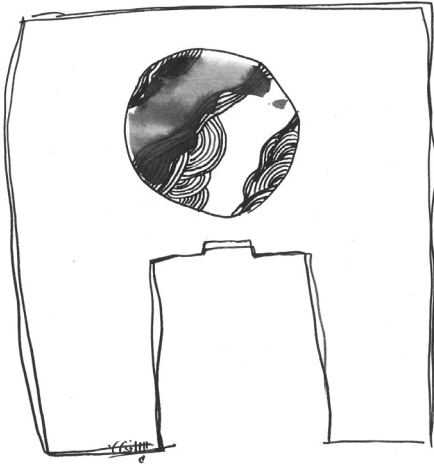
به این معنا که اگر امروزه هویت به شاهبیت مطالعات اجتماعی بدل شده و به ویژه در نظریه‌ها و پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، واجد جایگاهی محوری گشته است (دشان و دوس، ۱۹۹۸)، که بیشتر چنین برجستگی‌ای نداشته (هوارد، ۲۰۰۰)، بدان دلیل است که اصولاً هویت، مفهومی مدرن و در نتیجه، یکی از اساسی‌ترین و بدیع‌ترین مباحث عصر مدرن (شارع‌پور و خوش‌فر، ۵۴-۵۵: ۱۳۸۰؛ کچویان، ۱۰: ۱۳۸۴) و خاصه پسامدرن (هر چند به

الف) در رویکرد سنتی (عمدتاً متعلق به اندیشمندان شرقی)، چنان که اجمالاً اشاره شد خود در پرتو متافیزیک تعریف می‌شود و بنابراین، امکان دستیابی به هویت شخصی منتفی گشته (و یا به غایت دشوار است)، و تنها هویت‌های جمعی در چارچوب گروه‌های کوچک اولیه مبتنی بر پیوندهای خونی و یا همجواری قابل حصول است. در واقع، از آنجا که مفاهیم خود و هویت، مفاهیمی فرهنگی مینا محسوب می‌شوند، ناسازگاری و مابینت دیدگاه‌های اندیشمندان شرقی با نظریه‌های دانشمندان غربی (دست کم از حیث معنا و محتوا) چندان هم دور از انتظار نباید باشد. کما این که برای مثال تریاندیس اذعان دارد خود در فرهنگ شرقی با خود در فرهنگ غربی متفاوت دانسته شده است؛ و جز این اگر بیندیشیم به بیراهه رفته‌ایم، زیرا برای مثال تأمل در خود عارفی که هست شدن و به کمال رسیدن خود را در نیست شدن در او (ذات باری) می‌داند با خود فردیت یافته (و فردیت طلب) مورد اشاره دانشمندان غربی تناسبی نمی‌تواند داشته باشد (محسنی، ۱۶-۱۴). (۱۳۷۵).

به تعبیر گیدنز در جوامع سنتی و پیشامدرن، جوهره آدمی به عنوان آفریده خداوند، امری ثابت و از قبل روشن و استوار بود و انسان چنان که هایدگر معتقد است تصویری بود که از چشم خداوند یا خدایان دیده می‌شد و هویت او نتیجه کارکرد یک نظام مقتدر و از پیش تعیین شده از باورهای دینی و آیینی و اسطوره‌ای بود (قاسمی، ۱۳۸۳).

ب) در رویکرد مدرن، خود در چرخشی آشکار از متافیزیک به فیزیک تحویل یافته و در پرتو دیگری شناسایی می‌شود. از این رو هویت شخصی امکان حصول یافته است. به علاوه، به یاری دیگری، هویت‌های جمعی فراتر از گروه‌های کوچک اولیه نیز امکان ظهور یافته‌اند. منتهای مراتب، در این رویکرد هویت به وسیله عوامل از قبل موجود طبیعی، روانی، اجتماعی و یا حتی ذاتی تعریف می‌شود.

ج) در رویکرد پسامدرن، شکل‌گیری و تعریف هویت به دور از دخالت هرگونه عامل از قبل موجود طبیعی، روانی و یا اجتماعی امکان‌پذیر قلمداد می‌شود. بدین ترتیب، آشکار است هویت در این رویکرد فارغ از هرگونه ذات یا جوهری شناسایی می‌شود.



چالش‌های هویتی سیاست‌گذاری فرهنگی

بدین ترتیب، بحران هویت چه بخواهیم، چه نخواهیم، واقعیت عصری است که در آن به سر می‌بریم و هویت‌یابی در عصر بحران هویت به سادگی گذشته، هرگز میسر نخواهد بود. کنار هم قرار گرفتن دو گونه خود و هویت لاهوتی و ناسوتی، از سویی، و هم‌نشینی هویت‌های واحد، خالص، ثابت و پایدار عصر مدرن با هویت‌های متکثر، ترکیبی، مستعجل و ناپایدار عصر پسامدرن از سوی دیگر، ما را با تردیدهای بی‌سابقه‌ای روبه‌رو می‌سازد. این به معنای مواجهه با چالش‌هایی اجتناب‌ناپذیر در سیاست‌گذاری فرهنگی است که مهم‌ترین آنها به شرح زیرند:

۱. چالش هویت لاهوتی و ناسوتی. چنان که در رویکردهای نظری هویت نیز آشکار است هویت در رویکرد سنتی کیفیتی لاهوتی دارد که در مقابل کیفیت ناسوتی هویت در دو رویکرد دیگر (مدرن و پسامدرن) قرار می‌گیرد. به این چالش اساسی تاکنون به طور جدی توجه نشده است. کما این که از سویی، امت که مستلزم یا مقارن هویتی لاهوتی است به عنوان الگوی ایدئال مطرح می‌شود و از سوی دیگر، بر هویت ملی - هویتی ناسوتی - تأکید می‌شود.
۲. چالش هویت شخصی. پیدایی هویت شخصی

4. new information-communication technologies.
5. Marshal McLuhan (1911-78).
6. cultural lag.
7. information-communication revolution.
8. network society.
9. attitude.
10. similarity.
11. difference.
12. social identity.
13. peripheral zones.
14. Immanuel Wallerstein (1930-).
15. total social phenomenon.
16. social institution.
17. Delphi temple.
18. Know thyself.

۱۹. با تغییراتی، رویکرد سنتی نیز در اینجا اضافه شده است.
 ۲۰. تاجیک نیز سه رویکرد شناسایی کرده است: سازه‌گرایی اجتماعی (social constructionism)، ماهیت - جوهرگرایی (essentialism) و گفت‌مانی (discursive).
 ۲۱. مارشال برمن، (۱۳۷۹)، تجربه مدرنیته: هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود، مراد فرهادپور، تهران: طرح نو.

منابع

- ابوطالبی، علی، (۱۳۷۸)، «حقوق قومی، اقلیتها و همگرایی»، علی کریمی مله، فصلنامه مطالعات ملی، سال نخست، شماره یکم، صص ۱۵۳-۱۳۱.
- اولسون، دیوید، (۱۳۷۷)، رسانه‌ها و نمادها: صورت‌های بیان، ارتباط و آموزش، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران: سروش.
- برگر پیترو ل. و توماس، لوکمان، (۱۳۷۵)، ساخت اجتماعی واقعیت (رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت)، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بشیریه، حسین، (۱۳۷۹)، «توسعه سیاسی و بحران هویت ملی»، گفت‌وگوی علمی با داریوش جهانپن، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵، صص ۳۱۵-۲۸۷.
- پورحسین، رضا، (۱۳۸۴)، روان‌شناسی خود، تهران: امیرکبیر.
- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۶)، «کلمه نهایی: شکل‌گیری گفت‌مان‌های هویت در ایران»، نامه پژوهش، سال دوم، شماره ۷، صص ۶۹-۴۱.
- حق‌پناه، جعفر، (۱۳۸۰)، کانون‌های بحران هویت در ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خانیکی، هادی، (۱۳۷۶)، «فرهنگ جمعی و رسانه‌های نو»، در کتاب سروش (مجموعه مقالات ۲): رسانه‌ها و فرهنگ، صص ۴۵-۵۴، تهران: سروش.
- دوران، بهزاد، (۱۳۸۷)، هویت اجتماعی: رویکردها و نظریه‌ها، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- شارع‌پور، محمود و غلامرضا خوش‌فکر، (۱۳۸۰)، بررسی تأثیر

به عنوان نتیجه منطقی استقرار نهاد خود و هویت ناسوتی در جامعه، به خودی خود چالشی جدی برای سیاست‌های فرهنگی محسوب می‌شود که فردیت و فردگرایی را در مقابل و نه همراه خود می‌بینند. برای مثال، هویت جنسی حاشیه‌ای زنانه، هویت جنسی مسلط مردانه را به چالش می‌کشد و هویت جنسی مطرود همجنس‌گرا، هویت جنسی مسلط ناهمجنس‌گرا را.

۳. چالش وحدت در مقابل کثرت. این چالش نتیجه ورود زمینه‌های انتقادی پسامدرن است و با به زیر سؤال بردن مشروعیت گفت‌مان (های) مسلط، امکان طرح و بسط گفت‌مان (های) حاشیه‌ای را فراهم می‌آورد. سردرگمی در نحوه مواجهه با نهادهای واسط از سویی، و بلا تکلیفی نسبت به حقوق مدنی و در نهایت اخلاق شهروندی از سوی دیگر، به خوبی وضعیت بحرانی ناشی از چالش تکثرگرایی را برای سیاست‌گذاری فرهنگی نمایان می‌سازد.

۴. چالش خاص و ناب در مقابل التقاطی و ترکیبی. این چالش نیز که از جمله چالش‌های پسامدرن است نه تنها از اصالت و خلوص ارزش‌زدایی می‌کند که آنها را از اساس خیالی و در عالم واقع ناممکن (بسیار نامحتمل) معرفی می‌کند. بدین ترتیب، می‌توان انتظار داشت که به طور ریشه‌ای در مقابل هر گونه ناب‌گرایی همچون اعتقاد به نژاد اصیل، و یا دین ناب قرار گیرد.

۵. چالش ثابت و پایدار در مقابل مستعجل و ناپایدار. در دوره و زمانه‌ای که «هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود»^{۲۱}، چگونه می‌توان به ثبات اعتقاد داشت؟ قلمروهای به اصطلاح ثابت و پایدار در حوزه زندگی انسان روز به روز کوچک و کوچک‌تر و محدود و محدودتر می‌شوند. بنابراین، در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی نیز ارجاع به هویت‌های ثابت و پایدار به جای هویت‌های مستعجل و ناپایدار دشوارتر و به اصطلاح چالش برانگیزتر می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران.

1. millennium movements.
2. John Perry Barlow.
3. Electronic Frontier Foundation or EFF (<http://www.eff.org/>).



- محسنی، منوچهر، (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی*، تهران: نشر دیدار.

- معلوف، امین، (۱۳۸۲)، *هویت‌های مرگبار*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.

- Bauman, Zygmunt, (1996), "From pilgrim to tourist – or a short history of identity", in: Stuart Hall & Paul Du Gay (eds.), *Questions of cultural identity*, London: Sage Publications, pp. 18-36.

- Deschamps, Jean-Claude & Thierry Devos, (1998), "Regarding the relationship between social identity and personal identity", in: Stephen Worchel; Francisco J. Morales; Dario Paez; Jean-Claude Deschamps (eds.), *Social identity: International perspectives*, London: Sage, pp. 1-12.

- Elliott, Anthony, (2005), *Concepts of the self*, Cambridge: Polity Press.

- Howard, Judith A., (2000) "Social psychology of identities", in: *Annual Review of Sociology*, vol. 26, pp. 367-393.

- Jones, Steven G. (ed.), (1998), *Cybersociety 2.0: Revisiting computer-mediated communication and community*, London: Sage.

- Rahimi, Sadeq, (1999), *Identities in motion: From precolonial to posthuman*, <http://www.cs.mcgill.ca/~rahimi/texts/chap2.html>. (2002/09/03).

- Whittle, David B., (1997), *Cyberspace: The human dimension*, New York: W. H. Freeman and Company.

- Woodward, Kath, (2000), "Introduction", in Kath Woodward (ed.), (2000), *Questioning identity: Gender, class, nation*, London: Routledge in association with The Open University, pp. 1-4.

- Worchel, Stephen; J. Francisco Morales; Dario Paez; Jean-Claude Deschamps, (eds.), (1998), *Social identity: International perspectives*, London: Sage.

سرمایه فرهنگی بر هویت اجتماعی جوانان در شهر تهران، طرح پژوهشی، تهران: اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران.

- شایگان، داریوش، (۱۳۸۰)، *اقسوزدگی جدید: هویت چهل تکه و تفکر سیار*، فاطمه ولیانی، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.

- طالبی، سکینه، (۱۳۷۸)، *تحول هویت ملی دانش‌آموزان دختر دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، تهران: دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

- عبدلهی، محمد، (۱۳۷۵)، «جامعه‌شناسی بحران هویت: مبانی عینی و ذهنی هویت جمعی در ایران و تأثیر آن بر دینامیسم مبادله فرهنگی ایران با جهان»، *نامه پژوهش*، سال اول، شماره ۲ و ۳، صص ۱۶۱-۱۲۵.

- عبدلهی، محمد، (بی‌تا)، «بحران هویت: هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۱، صص ۸۰-۶۳.

- قاسمی، فرزانه، (۱۳۸۳)، *مراتب و مؤلفه‌های هویت، مبانی نظری هویت و بحران هویت*، به کوشش علی‌اکبر علیخانی، تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.

- کازینو، ژان، (۱۳۷۰)، *جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی*، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: انتشارات اطلاعات.

- کازینو [کازینو]، ژان، (۱۳۶۴)، *قدرت تلویزیون*، ترجمه علی اسدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۰ الف)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، جلد اول: ظهور جامعه شبکه‌ای، علی پایا (ویراستار ارشد)، احد علیقلیان، افشین خاکباز، تهران: طرح نو.

- کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۰ ج)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، جلد سوم: پایان هزاره، علی پایا (ویراستار ارشد)، احد علیقلیان، افشین خاکباز، تهران: طرح نو.

- کچویان، حسین، (۱۳۸۴)، *تطورات گفتمان‌های هویتی ایران: ایرانی در کشاکش با تجدد و مابعد تجدد*، تهران: نشر نی.

- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

- لانسکی، گرهارد و جین لانسکی، (۱۳۶۹)، *سیر جوامع بشری*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

- محسنی، منوچهر، (۱۳۷۲)، *مبانی جامعه‌شناسی علم*، تهران: کتابخانه طهوری.

- محسنی، منوچهر، (۱۳۷۵)، *مقدمات جامعه‌شناسی*، تهران: نشر دوران.